



**اساسات شرعی در
نظام خلافت**

از نشرات حزب التحرير

اساسات شرعی در نظام خلافت
به مناسبت یاد بود از انهدام خلافت توسط کفار
در ۲۷ رجب ۱۳۴۲هـ.ق - ۳ نومبر ۱۹۲۴م

چاپ عربی اول

۲۷ رجب ۱۳۴۲هـ.ق - ۳ نومبر ۱۹۲۴م

چاپ دری اول

۱۱ صفر ۱۴۴۲هـ.ق - ۲۸ سپتمبر ۲۰۲۰م



www.ummatproduction.com

کابل - افغانستان

فهرست مطالب

- ۱ یادآوری
- ۳ وجوب حُکم بما أنزل الله
- ۸ در پیروی از شریعت، عزت، هدایت و رستگاری
- ۱۳ تحت هیچ شرایطی برای مسلمانان جایز نیست
- ۱۵ اجماع اصحاب رضی الله عنهم:
- ۱۵ قاعده مالا یتیم الواجب إلا به:
- ۱۵ اتفاق ائمه رحمهم الله:
- ۱۷ مسلمانان یک امت اند
- ۱۸ امت اسلامی در وثیقه مدینه:
- ۱۹ برادری در اسلام است، نه در قومیت و میهن پرستی:
- ۲۰ موجودیت گروه مسلمانان بستگی به موجودیت امام آنان دارد:
- ۲۱ حرمت داشتن بیشتر از یک دولت اسلامی برای مسلمانان:
- ۲۲ امارت در اسلام بر بیشتر از یک فرد جایز نخواهد بود:
- ۲۴ قدرت از آن امت مسلمه بوده و مسلمانان همگی مسئولیت
- ۲۶ خلیفه، دارای تصرف مطلق نبوده؛ بلکه به اساس
- ۲۷ اطاعت از اولوالأمر:
- ۲۸ اطاعتی در گناه نیست:
- ۲۹ محاسبه اولوالأمر:
- ۳۱ شورش مسلحانه در مقابل حاکمی که مرتکب کفر بواح می‌گردد:
- ۳۴ قضیه مسلمانان امروز، اقامه خلافتی است که اسلام را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادآوری

پس از نابودی خلافت اسلامی در سال ۱۳۴۲هـ.ق مطابق ۱۹۲۴م مسلمانان در وضعیت بدتر از یتیمان قرار دارند. در صبحگاه سوم مارچ ۱۹۲۴م، مصطفی کمال یهودی الاصل ماسونی و مزدور انگلیس، خلافت اسلامی را نابود کرد.

قرار بود امت مسلمه در مقابل این مزدور خائن که دار اسلام را به دار کفر تبدیل کرد و بزرگ‌ترین آرزویی دیرینه‌ای کفار را تحقق بخشید، اسلحه بکشند؛ اما امت مسلمه از این کار غافل شده و در وضع وحشتناکی از انحطاط قرار گرفتند. جنایات ادامه پیدا کرد و کفار نفرت‌انگیز، کشورهای اسلامی و امت اسلامی را در قبضه خود گرفته و آنان را به اجزای مختلف تقسیم نمودند. آنان امت واحد را به اقوام، نژادها و جناح‌های مختلف تقسیم کردند و کشور واحد را به چندین کشور تجزیه نموده و میان‌شان مرزها و سدهای ایجاد کردند. به جای یک خلافت واحد، ده‌ها دولت بی‌ارزش را ایجاد نموده و حکام مزدور را جهت اجرای دستورات خود در این کشورها حاکم ساختند.

آنان شریعت اسلامی را از قضاوت‌های اقتصادی، روابط بین‌المللی، معاملات داخلی و قضا، بیرون ساخته و دین را از دولت جدا کردند و همانند نصرانیت، آن را در بعضی از عبادات و حالات فردی محصور ساختند. بعدازآن، به نابودسازی حضارت اسلامی و جایگزینی آن با افکار و حضارت غربی پرداختند. در نتیجه آنان تا حد زیادی در گمراه‌سازی و دور نمودن مسلمانان از حقیقت اسلام و زیبا جلوه دادن مفاهیم غربی و مقیاس‌های اخلاقی آن، موفق شدند.

اما حکمت الله سبحانه و تعالی در اوج کمال بوده و اراده‌ای وی جل جلاله غالب است. خواست او سبحانه و تعالی این بود که امت مسلمه دوباره بیدار گردیده و به پا ایستد

و بداند که تنها و تنها نجاتش در تأسیس مجدد خلافت اسلامی بر منهج نبوت خواهد بود. از جمله اساسات اسلام، مهم‌ترین آن عقیده‌ی اسلامی می‌باشد که خلافت اسلامی هم شامل آن است. بدون خلافت اسلامی، کشورها از هم گسسته و امت متفرق باقی خواهند ماند. بدون خلافت اسلامی کشورهایی کفری بالای ما حکم رانده و دارایی‌های ما را به یغما می‌برند و تخم بدبختی را در میان ما بذر می‌نمایند. در عدم موجودیت خلافت، یهود، مقدسات ما را به تصرف درآورده و ما را نابود و ذلیل خواهد ساخت.

بدون خلافت، امت مسلمه در بوسنیا، چین، فلسطین، لبنان، کشمیر و دیگر اطراف دنیا به قتل می‌رسند و مساجدشان منهدم گردیده و عزت‌شان لطمه خواهد خورد؛ ولی هیچ پناه‌گاهی نخواهند داشت. بدون خلافت و تلاش مجدد برای تأسیس آن، مسلمانان گنه‌کار و مورد خشم الله قرار خواهند گرفت؛ ولو روزه بگیرند، نماز بخوانند، حج کنند و زکات دهند. بناءً امروز اقامه‌ی خلافت، با تمام توان و سرعت فرض عین محسوب می‌گردد.

ای مسلمانان! بیایید تا به این پروردگارتان لبیک بگویید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ [انفال آیه: ۲۴]

ترجمه: ای مومنان! دعوت الله و رسولش را اجابت کنید هنگامی که شمارا به سوی چیزی می‌خواند که شمارا حیات می‌بخشد!

وجوب حکم بما أنزل الله و وجوب تنها حکم قرار دادن شریعت اسلامی (سیادت برای شریعت است، نه برای مردم)

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ
يَتَّخِذُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا
﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُتَنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ
صُدُودًا﴾ [نساء: ٦٠-٦١]

ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آن چه (از کتاب های آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای قضاوت نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! باین که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه های دوردستی بيفکند.

و می فرماید:

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ
الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ
وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِعِ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [نور: ٤٨-٥٢]

ترجمه: و هنگامی که از آنان دعوت شود که به سوی الله و رسولش بیایند تا در میان شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می شوند! ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم به سوی او می آیند! آیا در دل های آنان بیماری است، یا شک و تردید دارند، یا می ترسند الله و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آن ها خودشان ستم گزند! سخن مومنان، هنگامی که به سوی الله و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و این ها همان رستگاران واقعی هستند. و هر کس الله و رسولش را اطاعت کند، و از الله بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

و می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [نساء: ۶۵]

ترجمه: به پروردگارت سوگند که آن ها مومن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

و می فرماید:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [مائده: ۴۴]

ترجمه: و هر کس به احکامی که الله نازل کرده حکم نکند، کافر است.

و می فرماید:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [مائده: ۴۵]

ترجمه: و هر کس به احکامی که الله نازل کرده حکم نکند، ستم گر است.

و می فرماید:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [مائده آیه ۴۷]

ترجمه: و کسانی که بر طبق آن چه الله نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند.

و می فرماید:

﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [مائده: ۴۹-۴۵]

ترجمه: و در میان آن‌ها [= اهل کتاب]، طبق آن چه الله نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آن‌ها بر حذر باش، مبادا تو را از بعضی احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آن‌ها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که الله می خواهد آنان را به خاطر پاره‌ای از گناهان شان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند. آیا آن‌ها حکم جاهلیت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از الله، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟!

و می فرماید:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [انعام: ۱۵۳]

ترجمه: این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیزی است که الله شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!

و می‌فرماید:

﴿أَفْتُمُونَنَّا بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمُ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾
[بقره: ۸۵]

ترجمه: آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان چیزی نخواهد بود و روز قیامت به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند. الله از آن چه انجام می‌دهید غافل نیست.

و می‌فرماید:

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [اعراف: ۳]
ترجمه: از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می‌شوید!

و می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [مائده: ۳]
ترجمه: امروز کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند. بنابراین، از آن‌ها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به‌عنوان دین (جاویدان) شما پذیرفتم.

رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده است:

« مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ. » (مسلم)

ترجمه: کسی کاری را انجام دهد که در آن امر ما نباشد، مردود است.

فرموده است:

« مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ. » (بخاری)

ترجمه: هرکسی که در این امر ما (دین) چیزی وارد کند که از آن نباشد، مردود است.

می فرماید: «لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا شِبْرًا وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ صَبَّ

تَبِعْتُمُوهُمْ ، قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى ؟ قَالَ : فَمَنْ .» (مسلم)

ترجمه: البته روش پیشینیان از امت‌ها را پیروی خواهید کرد، و جب‌به‌وجب و ذراع به ذراع، حتی اگر آنان به سوراخ سوسماری داخل شوند، البته شما هم متابعت خواهید کرد. گفتیم: یا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم! مراد یهود و نصارا است؟ فرمود: پس کی است؟

از ابن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«كَيْفَ تَسْأَلُونَ أَهْلَ الْكِتَابِ عَنْ شَيْءٍ وَكِتَابِكُمْ أُنْزِلَ عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

أُحَدِّثُ تَقْرَأُونَهُ مَحْضًا لَمْ يَشِبْ.» (بخاری)

ترجمه: چگونه چیزی را از اهل کتاب می‌خواهید، درحالی‌که کتاب شما به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نازل گردیده است؟ آخرین چیزی که خواندید اتفاق نیفتاد.

روایت است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم قسمتی از تورات را نزد عمر رضی‌الله‌عنه

دید که آن را مطالعه می‌کرد. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم خشمگین شده فرمود:

«أَلَمْ آتِ بِهَا بِيضَاءَ نَقِيَّةٍ، وَلَوْ أَدْرَكْتَنِي أَخِي مُوسَىٰ لَمَا وَسِعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِي»

(رواه أحمد والبزار وابن أبي شيبة)

ترجمه: آیا آن را واضح و روشن نیاوردم! حتی اگر برادرم موسی مرا درک می‌کرد،

چاره‌ی جز پیروی مرا نداشت.

احمد و ترمذی و ابن جریر روایت می‌کنند که عدی بن حاتم طایی قبل از اسلام

آوردنش نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم رفت. وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حال خواندن

این آیه بود: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ﴾ [توبه: ۳۱] ترجمه: (آنها)

دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر الله قراردادند. عدی گفت: آنان را

نمی‌پرستیدند. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «بَلَىٰ إِنَّهُمْ حَرَمُوا عَلَيْهِمُ الْحَلَالَ

وَأَحَلُّوا لَهُمُ الْحَرَامَ فَاتَّبَعُوهُمْ فَذَلِكَ عِبَادَتُهُمْ إِيَّاهُمْ.» ترجمه: بله! آنان حرام را بر خود

حلال و حلال را بر خود حرام کردند و تبعیت کردند از آنان و عبادت‌شان این‌گونه بود.

در پیروی از شریعت، عزت، هدایت و رستگاری و در دوری از آن، ذلت، گمراهی و بدبختی نهفته است

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [منافقون: ۸]

ترجمه: درحالی که عزت مخصوص الله و رسولش و مومنان است.

و می فرماید:

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ ﴿١٢٣﴾ ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ ﴿١٢٤﴾ ﴿قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ ﴿١٢٥﴾ ﴿قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾

[طه: ۱۲۳-۱۲۶]

ترجمه: ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود و نه در رنج خواهد بود! و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم! می گوید: پروردگارا! چرا نابینا محسوسم کردی؟! من که بینا بودم! می فرماید: آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آن ها را فراموش کردی؛ امروز تو نیز فراموش خواهی شد!

و می فرماید:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [مائده: ۱۵-۱۶]

ترجمه: از طرف الله نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. الله به برکت آن کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه های سلامت هدایت می کند و به فرمان خود، از تاریکی ها به سوی روشنایی می برد و آن ها را به سوی راه راست رهبری می کند.

و می فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ

سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [انفال: ۵۳]

ترجمه: این به خاطر آن است که الله هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد؛
جز آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند؛ و الله شنوا و داناست!

و می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا

فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [اعراف: ۹۶]

ترجمه: و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات
آسمان و زمین را بر آن‌ها می گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند و ما هم آنان را
به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم.

و می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ ﴿۷﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا

لَهُمْ وَأُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ﴾ [محمد: ۷-۸]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) الله را یاری کنید، شمارا یاری
می کند و گام‌های‌تان را استوار می دارد. کسانی که کافر شدند مرگ بر آنان! و
اعمال‌شان نابود باد!

و می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: ۵۵]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید. دین را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیّت و آرامش مبدّل می‌کند. چنان‌چه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، فاسق‌اند.

و می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [نساء: ۱۱۵]

ترجمه: کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند و از راهی جز راه مومنان پیروی نماید؛ ما او را به همان راهی که می‌رود می‌بریم و به دوزخ داخل می‌کنیم. او جایگاه بدی دارد.

و می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مَثَلِهَا فُتِنْتُمْ أُنِيَ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۶۵]

ترجمه: آیا هنگامی که مصیبتی (در میدان جنگ أحد) به شما رسید، درحالی که دو برابر آن را (در میدان جنگ بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟!» بگو: «از ناحیه خود شماست (که در میدان جنگ أحد، با دستور پیامبر مخالفت کردید)! الله بر هر چیزی قادر است. (و چنان‌چه روش خود را اصلاح کنید، در آینده شما را پیروز می‌کند).»

و می‌فرماید:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ [شوری: ۳۰]

ترجمه: هر مصیبتی که به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید. و الله بسیاری را نیز عفو می‌کند!

و می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا
وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۵۵]

ترجمه: کسانی که در روز روبه‌رو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد)، فرار کردند. شیطان آن‌ها را بر اثر بعضی از گناہانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت و الله هم آن‌ها را بخشید. الله، آمرزنده و بردبار است.

و می فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [نور: ۶۳]

ترجمه: پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از این که فتنه‌ای دامن‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آن‌ها برسد!

و می فرماید:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿۱۱﴾ وَيَمْدِدْكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَيَبِينْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾

[نوح: ۱۰-۱۲]

ترجمه: به آن‌ها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا باران‌های پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد!

رسول الله صلی علیه وسلم می فرماید:

«وقد ترکت فیکم ما إن اعتصمتم به فلن تضلوا أبدا، أمرا بیّنا، کتاب الله وستنته نبیه.»

(سیرت ابن هشام)

ترجمه: من در میان شما دو چیز را گذاشتم، مادامی که به آن چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب الله و سنت پیامبرش.

و می‌فرماید:

«أما بعد فإن خير الحديث كتاب الله، وخير الهدي هدي محمد، وشر الأمور محدثاتها،

وكل بدعة ضلالة.» (مسلم وأحمد والنسائي و ابن ماجه)

ترجمه: اما بعد! بهترین سخن، کتاب الله و بهترین رهنمود، رهنمود محمد صلی الله علیه وسلم است و بدترین امور بدعت (نوآوری در دین) است و هر بدعت گمراهی می‌باشد.

و می‌فرماید:

«حدّ يعمل في الأرض خير لأهل الأرض من أن يمطروا أربعين صباحا.»

(نسایی و ابن ماجه)

ترجمه: تطبیق یک حد در روی زمین برای اهل آن بهتر از چهل روز باران صبح‌گاهی است.

و می‌فرماید:

«إن الله لا يعذب العامة بعمل الخاصة حتى تكون العامة تستطيع أن تغير على الخاصة،

فإذا لم تغير العامة على الخاصة، عذب الله العامة والخاصة.»

(رواه أحمد والطبراني في الكبير)

ترجمه: همانا الله عوام را به سبب عمل خواص کیفر ندهد؛ مگر این‌که عوام بر تغییر خواص توانا باشد. پس در این صورت، اگر عوام، خواص را تغییر ندهد، الله هر دو را کیفر دهد.

تحت هیچ شرایطی برای مسلمانان جایز نیست

که فاقد خلیفه باشند

و هیچ مسلمانی اجازه سرپیچی از فرمان خلیفه را ندارد

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [نساء: ۵۹]

ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آن چه (از کتاب های آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند؛ ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با این که به آن ها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه های دوردستی بيفکند.

و می فرماید:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ [نساء: ۸۴]

ترجمه: و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن ها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می سازند؛ درحالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«من خلع یداً من طاعة لقي الله يوم القيامة لا حجة له. ومن مات وليس في عنقه بيعة

مات ميتة جاهلية.» (مسلم)

ترجمه: کسی که دست خود را از طاعت شخصی خارج کند (بیعت خود را بشکند) در مواجهه با الله در روز قیامت؛ دلیلی بر عملش نخواهد داشت و همچنین کسی که بمیرد و بیعتی بر گردن خود نداشته باشد؛ به مرگ جاهلی مرده است.

و می فرماید:

«من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات مات ميتة جاهلية.» (مسلم)

ترجمه: هر کس از اطاعت (اولوالأمر مسلمانان) خارج شود و جماعت (مسلمانان) را ترک کند و در این حالت بمیرد، در مسیر جاهلیت مرده است.

و می فرماید:

«إنما الإمام جنة يقاتل من ورائه ويؤتى به.» (مسلم)

ترجمه: بی گمان امام (خلیفه) حیثیت سپر را دارد که از عقب وی جنگیده شده و به وی پناه برده می شود.

و می فرماید:

«كانت بنو إسرائيل تسوسهم الأنبياء كلما هلك نبي خلفه نبي، وإنه لا نبي بعدى، وستكون خلفاء فتكثر. قالوا: فما تأمرنا؟ قال فوا ببيعة الأول فالأول وأعطوهم حقهم فإن

الله سائلهم عما استرعاهم.» (مسلم)

ترجمه: بنی اسرائیل را پیامبران رهبری می کردند و هرگاه پیامبری وفات می کرد، به جای وی پیامبر دیگری جانشین او می شد؛ ولی بعد از من دیگر پیامبری وجود نخواهد داشت و خلفا می باشند و بسیار زیاد می شوند. گفتند: پس در آن حال به چه فرمان می دهی؟ گفت: به نخستین بیعت وفا کنید و حق آنان را ادا نمایید و الله سبحانه و تعالی از آن ها درباره آن چه ایشان را بر آن گماشته است، پرسان خواهد کرد.

اجماع اصحاب رضی الله عنهم:

اصحاب رضی الله عنهم بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم، بر لزوم اقامه خلیفه برای پیامبر، سپس برای ابوبکر، عمر، عثمان و علی رضی الله عنهم اجماع نموده‌اند. هم‌چنان اجماع نمودند که به مجرد وفات خلیفه قبلی با خلیفه جدید بیعت کنند.

اصحاب رضی الله عنهم نیز اجماع نموده‌اند که جایز نیست تا مسلمانان بیشتر از سه روز بدون خلیفه باشند. از همین رو حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه وقتی زخمی شد. شش تن را کاندیدای خلافت معرفی کرد که باید در مدت سه روز با یکی از آنان بیعت صورت گیرد. دستور داد تا مخالف را بکشند. جهت تحقق این امر، پنجاه نفر را منصوب کرد. این در حالی بود که حضرت عمر رضی الله عنه در میان اصحاب حضور داشت؛ ولی هیچ یک از آنان با وی مخالفت و اعتراضی نکردند.

قاعده ما لا یتیم الواجب إلا به:

ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب؛ ترجمه: چیزی که بدون آن واجبی تحقق نیابد. پس خودش واجب است. این قاعده شرعی وجود خلیفه را حتمی می‌سازد؛ چون تطبیق احکام شرعی و جمع شدن مسلمانان زیر بیرق امام، بدون موجودیت خلیفه امکان پذیر نخواهد بود.

اتفاق ائمه رحمهم الله:

صاحب کتاب (الفقه علی المذاهب الأربعة) در جلد پنجم، صفحه ۴۱۶ می‌گوید: «ائمه رحمهم الله بر فرض بودن امامت اتفاق نظر دارند؛ چون باید امام مسلمانان شعائر دین را قائم ساخته و با گرفتن حق مظلوم از ظالم، انصاف را اجرا نماید. و برای مسلمانان داشتن هم‌زمان دو امام در دنیا جایز نیست، برابر است که این دو امام متفق باشند و یا هم مخالف.»

حضرت علی کرم الله وجهه می‌فرماید: «برای مردم لازم است که یک امیر نیکوکار و یا فاجری داشته باشند تا تحت رهبری وی مسلمانان حرکت نموده و کفار نیز احساس امنیت کنند و (این امر سبب شود تا) الله متعال به آن دوام بخشد. در این حکومت «فیء» جمع آوری شده و با دشمن نبرد صورت گیرد و راه‌ها امنیت پیدا کند. قوی در مقابل ضعیف مواخذه گردد، تا زمین از نبود فاجری احساس آرامش کند.» (نهج البلاغة جلد اول صفحه ۹۱)

مسلمانان یک امت اند ولازم است تا دارای یک دولت باشند و زیر پرچم یک خلیفه قرار گیرند

الله متعال می فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ [آل عمران: ۱۰۳]

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا (= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) الله را بر خود، به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید. الله میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید!
و می فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۗ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [انفال: ۴۶]

ترجمه: و (فرمان) الله و رسولش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که الله با استقامت کنندگان است!

و می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [حجرات: ۱۰]

ترجمه: مومنان برادر یکدیگرند.

و می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾

[آل عمران: ۱۱۰]

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ (چون) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.

امت اسلامی در وثیقه مدینه:

«بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد النبي صلى الله عليه وسلم، بين المومنين والمسلمين من قريش ويثرب، ومن تبعهم فلحق بهم، وجاهد معهم. إنهم أمة واحدة من دون الناس، ... وإن المومنين لا يتركون مفرحا - أي المثقل بالدين والكثير العيال - بينهم أن يعطوه بالمعروف في فداء أو عقل. وأن لا يحالف مومن مولى مومن دونه؛ وأن المومنين المتقين على من بغى منهم، أو ابتغى دسيعة ظلم أو إثم أو عدوان أو فساد بين المومنين، وإن أيديهم عليه جميعا ولو كان ولد أحدهم... وإن المومنين بعضهم موالي بعض دون الناس... وإن سلم المومنين واحدة، لا يسالم مومن دون مومن في قتال في سبيل الله، إلا على سواء وعدل بينهم... وأنه لا يحل لمومن أقر بما في هذه الصحيفة، وأمن بالله واليوم الآخر أن ينصر محدثا - أي عامل جريمة - ولا يؤويه... وإنكم مهما اختلفتم فيه من شيء فإن الله مردّه إلى الله عزوجل، وإلى محمد صلى الله عليه وسلم.»

ترجمه: این، نوشته و پیمان نامه‌ای است از محمد - پیامبر صلی الله علیه وسلم - تا در میان مومنان و مسلمانان قبیله قریش، [مردم] یثرب و کسانی که پیرو مسلمانان شوند و به آنان پیوندند و با ایشان در راه الله جهاد کنند. آنان در برابر دیگر مردمان، یک امت اند. پیروان اسلام نباید مسلمانی را در پرداخت خون بها یا فدیة می سنگین، تنها گذارند. هیچ مومنی نباید به همبستگی با مومن دیگر بر ضد وی هم پیمان شود. همه مومنان پرهیزگار باید در برابر هر مسلمانی که ستم کند، یا از راه ستم‌گری چیزی

از ایشان بخواهد و یا آهنگ دشمنی و تباهی میان مومنان را در سر بپرواند، باید همه با وی به ستیز برخیزند، هر چند وی فرزند یکی از ایشان باشد. مومنان در برابر مردم با یکدیگر وفادار هستند. آشتی همه مومنان یکی است و به هنگام پیکار در راه الله هیچ مومنی نباید جدا از مومن دیگر و جز بر پایه‌ی برابری و دادگری در میان مومنان، با دشمن از در آشتی در آید. هر مومنی که محتوای این نوشته را پذیرفته است و به الله و روز آخرت ایمان دارد، جایز نیست تا مجرمی را کمک و یاری رساند. هرگاه شما مسلمانان در کاری گرفتار اختلاف شدید، [داوری پیرامون] آن را به الله و محمد صلی الله علیه وسلم، بازگردانید، (راه حل آن را در قرآن و سنت پیامبر بجویید). (سیرت ابن هشام، جلد دوم، صفحه ۱۰۶)

برادری در اسلام است، نه در قومیت و میهن پرستی:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند:

«لا تحاسدوا ولا تناجشوا ولا تباعضوا ولا تدابروا ولا یبع بعضکم علی بیع بعض، وکونوا عباد الله إخوانا. المسلم أخو المسلم لا یظلمه ولا یخذله ولا یحقره. التقوی ههنا - ویشیر إلی صدره ثلاث مرات- بحسب امرئ من الشر أن یحقره أخاه المسلم. کل المسلم علی المسلم حرام دمه وماله وعرضه.» (مسلم)

ترجمه: با یکدیگر حسادت نوزید و درحالی که قصد خرید کالایی را ندارید به قیمت آن اضافه نکنید. یکدیگر را فریب ندهید و با یکدیگر بغض و کینه نوزید. به یکدیگر پشت کرده و از هم قهر نکنید و برخی از شما بالای معامله برخی دیگران معامله نکنید و بندگان الله و برادران یکدیگر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند و نه هم او را تحقیر و ذلیل می‌کند -درحالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار به سوی سینه‌اش اشاره می‌نمود، فرمود: تقوی این جاست- برای شخص از بدی همین قدر کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر نماید. ریختن خون، خوردن مال و تعرض به آبروی مسلمان بالای مسلمانان دیگر حرام است.

و می‌فرماید:

«مثل المومنین في توادهم وتراحمهم وتعاطفهم مثل الجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو

تداعي له سائر الجسد بالسهر والحمى.» (مسلم و أحمد)

ترجمه: مومنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر، مانند یک پیکرند که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد، تمام اعضا در تب و بی‌خوابی گرفتار می‌شود.

و فرموده‌اند:

«المسلمون تتكافأ دماؤهم، يسعى بذمتهم أدناهم، ويجيز عليهم أقصاهم، وهم يد على

من سواهم.» (أبو داود و ابن ماجه)

ترجمه: ارزش خون مسلمانان با یکدیگر برابر است و تعهد و امانی که کوچک‌ترین فرد آنان بدهد، برای تمام‌شان محترم است و آنان در برابر بیگانگان، یکدل و یکدست و به هم پیوسته‌اند.

عبارات چون: امة محمد، امتي، امتك و امتكم، در نصوص شرعی خیلی زیاد آمده است و این عبارات بیانگر آن است که پیروی تمام مردم از محمد صلی‌الله علیه وسلم، آنها را یک امت می‌سازد.

موجودیت گروه مسلمانان بستگی به موجودیت امام آنان دارد:

رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم فرموده‌اند:

«من خرج من الطاعة وفارق الجماعة فمات ميتة جاهلية. ومن قاتل تحت راية عمية يغضب لعصبة أو يدعو إلى عصبة أو ينصر عصبة فقتل فقتله جاهلية. ومن خرج على أمتي يضرب برّها وفاجرها، ولا يتحاش من مومنها، ولا لذي عهد عهده فليس مني ولست

منه.» (مسلم و أحمد والنسائي)

ترجمه: هر کس از اطاعت (ولی امر مسلمانان) خارج شود و جماعت (مسلمانان) را ترک کند و در این حالت بمیرد، در مسیر جاهلیت مرده است. هر کس زیر پرچم مجهولی بجنگد که خشم وی جهت تعصب قومی و قبیله‌ای است، یا به آن دعوت

می‌دهد، یا آن را یاری می‌کند، اگر در این راه کشته شود، در مسیر جاهلیت مرده است. هرکس بر امت من خروج کند و نیکوکار و بدکار آن را به قتل برساند و از کشتن مومنان امت پرهیز نکند و به عهد و پیمان کسانی که عهد و پیمانی دارند وفا نکند، او از من نیست و من از او نیستم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب حذیفه بن یمان که در رابطه به زمان شر و گروه‌های شریر پرسیده بود، گفت:

«تلزّم جماعة المسلمين وإمامهم، فقلت: فإن لم تكن لهم جماعة ولا إمام؟ قال: فاعتزل»

تلك الفرق كلها.» (بخاری و مسلم)

ترجمه: با گروه مسلمانان و امام آنان باش. اگر مسلمانان جماعت و رهبری نداشتند، چه کار کنیم؟ فرمود: در آن صورت، از همه‌ی آن گروه‌ها دوری کن. نووی رحمه الله عنوان خلاصه‌ای را برای توضیح این احادیث چنین وضع کرده است: وجوب ماندن در کنار گروه مسلمانان هنگام بروز فتنه‌ها در هر زمان و تحریم انحراف از اطاعت (امیر مسلمانان) و جدایی از گروه آن‌ها.

حرمت داشتن بیشتر از یک دولت اسلامی برای مسلمانان:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند:

«ومن بايع إماما فأعطاه صفقة يده وثمرة قلبه فليطعه إن استطاع، فإن جاء آخر ينازعه

فاضربوا عنق الآخر.»

ترجمه: کسی که با امامی بیعت نموده و محبت قلبی‌اش را به وی پیشکش نمود، باید مطابق طاقت و توانش از او اطاعت نماید. اگر در عین وقت شخصی دیگری دعوای امامت کرد و یا با امیر اول منازعه در پیش گرفت. شما سر شخص دوم را قطع کنید.

راوی این حدیث، عبدالله بن عمرو بن عاص می‌گوید: با گوش‌هایم [این حدیث را]

از پیامبر شنیدم و در قلبم نشست.

و می‌فرماید:

«إِذَا بُوِعَ لَخَلِيفَتَيْنِ فَاقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا.» (مسلم)

ترجمه: اگر با دو خلیفه هم‌زمان بیعت صورت گرفت، دومی را بکشید.

و می‌فرماید:

«مَنْ أَتَاكُمْ وَأَمْرَكُمْ جَمِيعَ عَلَى رَجُلٍ وَاحِدٍ يَرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَاكُمْ وَيَفْرِقَ جَمَاعَتَكُمْ فَاقْتُلُوهُ.»

(مسلم)

ترجمه: هر کس در حالی نزد شما آمد که پیرامون یک شخص اتحاد و انسجام داشتید و قصد ایجاد تفرقه در بین‌تان را داشت، او را بکشید.

و می‌فرماید:

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسْوَسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَسَتَكُونُ خُلَفَاءُ فَتَكْتُمُونَ. قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ فُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَالْأَوَّلِ وَأَعْطُوهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ

اللَّهُ سَأَلَهُمْ عَمَا اسْتَرْعَاهُمْ.» (مسلم)

ترجمه: بنی‌اسرائیل را پیامبران رهبری می‌کردند و هرگاه پیامبری وفات می‌کرد، به جای او پیامبر دیگری جانشین او می‌ش ولی بعد از من دیگر پیامبری وجود نخواهد داشت؛ بلکه خلفا می‌باشند و بسیار زیاد می‌شوند، گفتند: پس در آن حال به چه فرمان می‌دهی؟ گفت: به نخستین بیعت وفا کنید و حق آنان را ادا نمایید و الله سبحانه و تعالی از آنان درباره آن چه ایشان را بر آن گماشته است، پرسیان خواهد کرد.

امارت در اسلام بر بیشتر از یک فرد جایز نخواهد بود:

رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم تنها یک تن را جهت انجام کاری به امارت برمی‌گزیدند و صحابه رضی‌الله‌عنهم نیز اجماع نموده‌اند که امارت فقط برای یک شخص می‌تواند باشد و این کار را در عمل کرد نیز ثابت ساخته‌اند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«إِذَا خَرَجَ ثَلَاثَةَ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤْمِرُوا عَلَيْهِمْ أَحَدَهُمْ.» (أبو داود)

ترجمه: هرگاه سه تن به خاطر سفری بیرون می‌شوند، باید یکی امارت دیگران را به دوش گیرد.

و می‌فرماید:

«لَا يَحِلُّ لثَلَاثَةٍ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا إِذَا أَمَرُوا عَلَيْهِمْ أَحَدَهُمْ.» (أحمد)

ترجمه: برای سه تنی که در یکی از بیابان‌های زمین‌اند، جایز نخواهد بود؛ مگر این که یکی از آن‌ها به دیگران امارت داشته باشد.

در اینجا موضوعی را که کتاب (الفقه علی المذاهب الأربعة) تذکر داده است، دوباره یادآور می‌شویم: ائمه رحمهم الله بر فرض بودن امامت اتفاق نظر دارند؛ چون باید امام مسلمانان شعائر دین را قائم ساخته و با گرفتن حق مظلوم از ظالم، انصاف را اجرا نماید. برای مسلمانان داشتن هم‌زمان دو امام در دنیا جایز نیست، برابر است که این دو امام متفق باشند و یا هم مخالف.

نووی رحمه الله در شرح مسلم جلد ۱۲، صفحه ۲۳۲ بیان داشته است که علماء اتفاق نظر دارند که در یک‌زمان بیعت با دو خلیفه جایز نخواهد بود، برابر است که دار اسلام دارای پهنای وسیعی در جهان باشد، یا خیر.

قدرت از آن امت مسلمه بوده و مسلمانان همگی مسؤلیت حفظ اسلام و تطبیق آن را به دوش دارند

هیچ کسی خلیفه نخواهد بود؛ مگر این که مسلمانان وی را انتخاب کرده باشند.
الله متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

[شوری: ۳۸]

ترجمه: و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهای شان به صورت مشورت در میان آن هاست و از آن چه به آن ها روزی داده ایم انفاق می کنند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

«وَمَنْ بَاعَ إِمَامًا فَأَعْطَاهُ صَفْقَةً يَدُهُ وَثَمْرَةَ قَلْبِهِ فليعطه إن استطاع» (مسلم)

ترجمه: کسی که با امامی بیعت نموده دست در دست وی گذاشت و میوهی دلش را به او بخشید. سپس در حد توان حتماً از وی فرمان ببرد.

و وی صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«فوا ببيعة الأول فالأول» (مسلم)

ترجمه: به نخستین بیعت وفا کنید!

و می فرماید:

«إذا بويع لخليفتين فاقتلوا الآخر منهما» (مسلم)

ترجمه: هرگاه با دو خلیفه بیعت صورت گرفت، یکی از آن دو را بکشید.

اصحاب رضی‌الله‌عنهم اجماع نموده‌اند که خلیفه همان کسی است که امت مسلمه با وی بیعت کرده باشد. همه خلفای راشدین پس از بیعت امت با آنان به خلافت رسیده‌اند. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه پس از تأیید اصحاب رضی‌الله‌عنهم و بیعت امت مسلمه به خلافت رسید.

حضرت علی رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: «به جانم سوگند! اگر جز با حضور همه مردم امامت منعقد نگردد. چنین کاری شدنی نیست، ولی آنان که حضور دارند، ثبوت حکومت را بر غائبان حکم می‌کنند. پس فرد حاضر حق روی‌گردانی و غائب حق انتخاب غیر را ندارد.» (نهج البلاغه، جلد دوم، صفحه ۸۶)

هم‌چنان وی رضی‌الله‌عنه فرموده است: «آن مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان رضی‌الله‌عنهم بیعت کردند، با همان شرایط و مقررات با من نیز بیعت کردند، حاضر را حقی نیست که غیر را اختیار کند و غائب را نمی‌رسد که آن را قبول نکند. شورا برای مهاجرین و انصار است، اگر بر مردی در خلافت اجماع کردند و وی را پیشوا نامیدند، الله به آن راضی است. بنابراین اگر کسی از فرمان اهل شورا با انکار و بدعت بیرون رود، وی را به آن برمی‌گردانند و اگر فرمان آنان را نپذیرفت، با وی به خاطر پیروی از غیر راه اهل ایمان می‌جنگند و الله متعال بر گردن وی نهد آن را که خود بر عهده گرفته (عذاب دوزخ را).» (نهج البلاغه، جلد سوم، صفحه ۷)

در جلد پنجم، صفحه ۴۲۷ کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» چنین آمده است: «ائمۀ اتفاق نظر دارند که امامت با بیعت اهل حل و عقد از علما، سران و بزرگان مردم که تعداد آنان شرط نمی‌باشد، منعقد می‌گردد و شرط بیعت کنندگان با امام، همان صفت عدالت می‌باشد. هم‌چنان انتخاب جانشین توسط امام پیشین و وصیت وی در هنگام حیاتش نیز قابل قبول خواهد بود.»

ملاحظه: خلافت حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه بنا به تأیید اصحاب رضی‌الله‌عنهم که اهل حل و عقد بودند، صورت گرفته است. خلافت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه نیز برای مدت شش سال به اساس تأیید اصحاب رضی‌الله‌عنهم صورت گرفته است. بناءً این مسئله منحصر به بیعت اهل حل و عقد می‌باشد.

خليفة، دارای تصرف مطلق نبوده؛ بلکه به اساس کتاب و سنت با وی بیعت کرده می‌شود:

الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [نور: ۵۱]

ترجمه: سخن مومنان، هنگامی که به سوی الله و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و این‌ها همان رستگاران واقعی هستند.

الله متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا﴾ [نساء: ۶۱]

ترجمه: و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «به سوی آن چه الله نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید!» منافقان را می‌بینی که (از قبول دعوت) تو، اعراض می‌کنند.

و می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [نساء: ۶۵]

ترجمه: به پروردگارت سوگند که آن‌ها مومن نخواهند شد؛ مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است، هنگام که رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را به یمن اعزام می‌کرد، برایش گفت:

«کیف تصنع إن عرض لك قضا؟ قال: أقضي بما في كتاب الله. قال: فإن لم يكن في كتاب الله؟ قال: فبسنّة رسول الله صلی الله علیه وسلم. قال: فإن لم يكن في سنة

رسول الله؟ قال: أجتهد وإني لا ألو. قال: فضرب رسول الله صدري ثم قال: الحمد لله الذي

وَفَقَّ رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ مَا يَرْضِي رَسُولَ اللَّهِ.» (أحمد وأبو داود والترمذي)

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم از معاذ رضی الله عنه پرسید: چگونه قضاوت و دادرسی می‌کنی؟ معاذ گفت: به وسیله کتاب الله داور می‌کنم. فرمود: اگر در کتاب الله نیافتی چه می‌کنی؟ در پاسخ گفت: به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل می‌کنم. فرمود: هرگاه در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز نیافتی؟ گفت: رأی و نظر خود را به کار می‌بندم و باکی ندارم. گفت: سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به سینه‌ام زده و گفت: الله متعال را سپاس گزارم که فرستاده‌ای رسول الله را توفیق عنایت فرمود تا رسولش را راضی سازد.

هنگامی که عبدالرحمن بن عوف، حضرت علی و عثمان رضی الله عنهما را برای بیعت فراخواند، به نمایندگی از مسلمانان برای آن دو گفت: آیا همان طوری که دو شیخ (حضرت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما) عمل نمودند، مطابق کتاب الله و سنت پیامبرش با من بیعت می‌کنید؟

اطاعت از اولوالأمر:

الله متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [نساء: ۵۹]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید الله را! و اطاعت کنید پیامبرش و اولوالأمر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داورى بطلبید) اگر به الله و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

«من أطاعني فقد أطاع الله ومن يعصني فقد عصى الله، ومن يطع الأمير فقد أطاعني ومن

يعص الأمير فقد عصاني.» (مسلم)

ترجمه: کسی که فرمان برداری مرا کرد، در حقیقت فرمان برداری الله را کرده است و کسی که از امیر اطاعت کرد، مرا اطاعت کرده است و کسی که از اطاعت امیر سر باز زد، از من نافرمانی کرده است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانی که در حجة الوداع خطبه ایراد می نمودند، گفتند: «إن أمر عبدٍ أسودٍ یقودکم بکتاب الله فاسمعوا له وأطیعوا..» (مسلم) ترجمه: اگر غلامی سیاه و پیچیده مویی بر شما به امارت گمارده شود و با کتاب الله شمارا رهبری کند، بشنوید و از وی اطاعت کنید. و می فرماید: «علیک السمع والطاعة فی عسک و یسک و منشک و مکرهک و أثره علیک» (مسلم) ترجمه: شنیدن و اطاعت از امیر در حالت سختی، آسانی، رضا و اکراه برای تان لازم است.

اطاعتی در گناه نیست:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

«علی المرء المسلم السمع والطاعة فیما أحبّ وکره إلا أن یؤمر بمعصیة، فإن أمر بمعصیة

فلا سمع ولا طاعة.» (مسلم)

ترجمه: حرف شنوی و فرمان برداری از فرمانروایان بر هر مسلمانی واجب است؛ چه این فرمان ها برایش خوشایند باشد و چه ناگوار؛ مگر این که به گناه و معصیتی امر شود که در این صورت، حرف شنوی و اطاعت درست نیست.

و می فرماید:

«لا طاعة فی معصیة الله إنما الطاعة فی المعروف.» (مسلم)

ترجمه: اطاعت از دیگری در معصیت الله متعال جایز نیست، اطاعت تنها در معروف جایز است.

هنگامی که با حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیعت می شد، گفت:

«أطيعوني ما أظعت الله فيكم، فإن عصيته فلا طاعة لي عليكم.»

ترجمه: تا زمانی که از الله متعال اطاعت می کنم، از من اطاعت کنید، اگر از اطاعت او تعالی سر باز زدم، اطاعت من بر شما لازم نخواهد بود.

محاسبه اولوالأمر:

الله متعال می فرماید:

﴿وَلَتَكُنَّ مَنَّكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

ترجمه: باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن ها همان رستگارانند.

و می فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾

[توبه: ۷۱]

ترجمه: مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«من رأى منكم منكرا فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه، وذلك

أضعف الإيمان» (مسلم)

ترجمه: هر کس از شما منکری را دید، به دست خویش مانع آن شود. اگر نتواند به زبان تغییرش دهد و اگر نتواند به دل بدش ببیند که این ضعیف ترین مرحله ایمان است.

و می‌فرماید:

«والذي نفسي بيده لتأمرنّ بالمعروف ولتنهونّ عن المنكر أو ليوشكنّ الله أن يبعث عليكم

عقابا من عنده ثم لتدعنه فلا يستجاب لكم» (أحمد والترمذي)

ترجمه: سوگند به کسی که روح من در دست قدرت اوست، یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید یا نزدیک است که الله متعال عذاب خود را بر شما فرود آورد و آن‌گاه به درگاه الله متعال دعا می‌کنید و دعای شما قبول نمی‌شود.

و می‌فرماید:

«أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر» (أحمد و ابن ماجه)

ترجمه: بهترین جهاد، سخن حقی است که نزد پادشاهِ ظالم گفته شود.

و می‌فرماید:

«سید الشهداء حمزة بن عبد المطلب، ورجل قام إلى إمام جائر فأمره ونهاه فقتله.»

(رواه الحاكم)

ترجمه: سید شهید! حمزه بن عبدالمطلب رضی‌الله‌عنه و مردی است که در برابر سلطانِ ظالم قرار گیرد و او را امر و نهی کند و این کار او موجب مرگش شود.

این‌گونه امر و نهی حکام، محاسبه‌ای آنان محسوب می‌گردد که فرض کفایی است و این فرایند با استفاده از قلب، زبان و دست صورت می‌گیرد و شرط محاسبه با دست آن است که نباید از اسلحه استفاده شود.

در غزوه خندق، سعد بن معاذ و سعد بن عباده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را محاسبه نمودند که در نتیجه، سخنان آن دو را پذیرفت. در غزوه بدر، حباب بن منذر وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم را محاسبه نمود که نهایت امر رأی حباب را پذیرفت. در روز حدیبیه، حضرت عمر بن خطاب و جمعی از اصحاب رضی‌الله‌عنهم وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم را محاسبه نمودند، ولی رأی آنان را نپذیرفت. (سیره ابن هشام)

هم چنان زنی در مسئله مهر، حضرت عمر رضی الله عنه را محاسبه نمود. حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: زن درست گفت و عمر اشتباه کرد. (به تفسیر آیه ۲۰ سوره نساء در تفسیر قرطبی و ابن کثیر مراجعه شود.)

حضرت علی رضی الله فرموده‌اند: «پس با من از گفتن حق یا رأی زدن به عدل باز نایستید؛ زیرا من در نظر خود بزرگ‌تر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم، مگر آن که الله متعال مرا در آن چه با نفس من رابطه دارد، کفایت کند؛ زیرا او تواناتر از من به من است.» (نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۲۰۱)

حضرت عمر رضی الله عنه فرموده است: «اگر سخن حق را نگوئید، هیچ خیری در شما نیست و اگر ما آن را نشنوم، هیچ خیری هم در ما نخواهد بود.»
آنان از بهترین و بزرگ‌ترین مردمان بودند که مسلمانان ایشان را محاسبه می‌نمودند.
پس محاسبه با غیر از آنان چگونه خواهد بود؟

شورش مسلحانه در مقابل حاکمی که مرتکب کفر بواح می‌گردد:

از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که فرمود:

«دعانا رسول الله صلى الله عليه وسلم فبايعناه فكان فيما أخذ علينا أن بايعنا على السمع والطاعة في منشطنا ومكرهنا وعسرنا ويسرنا وأثرة علينا وأن لا ننازع الأمر أهله. قال: إلا أن تركوا كفرا بواحا عندكم من الله فيه برهان.» (مسلم)

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه وسلم ما را فراخواند، پس با وی بیعت کردیم که در حالت خوشی و ناخوشی، دشواری و آسانی، بشنویم و اطاعت کنیم و به خاطر برتری جویی با امیر به جنگ بر نخیزیم و مطیع باشیم. سپس گفت: مگر آن که از او کفر آشکاری را ببینید که در آن از سوی الله متعال برهانی داشته باشید.

و فرموده است:

«ستكون أمراء فتعرفون وتنكرون، فمن عرف برئ، ومن أنكر سلم، ولكن من رضي

وتابع. قالوا: أفلا نقاتلهم؟ قال: لا، ما صلوا» (مسلم)

ترجمه: به زودی پیشوایانی خواهند آمد که برخی از شما نسبت به آنان شناخت دارید و برخی شناخت ندارید. پس آن که شناخت پیدا کرد قهراً تبرئه می شود و آن که شناخت پیدا نکرد سالم می ماند، و لکن بدا به حال آن که رضایت داد و پیروی نمود. گفتند آیا با آنان مبارزه نکنیم؟ فرمود: خیر، تا آن گاه که نماز می خوانند.

و فرموده است:

«خياركم أئمتكم الذين تحبونهم ويحبونكم، وتصلون عليهم و يصلون عليكم، وشراركم

أئمتكم الذين تبغضونهم ويبغضونكم. قال: قلنا يا رسول الله أفلا نناذهم عند ذلك؟ قال:

لا، ما أقاموا فيكم الصلاة» (مسلم)

ترجمه: بهترین پیشوایان شما کسانی هستند که شما آنان را دوست می دارید و آنان شمارا دوست می دارند. بر آنان درود می فرستید و آنان به شما درود می فرستند. بدترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنان را دشمن می دارید و آنان شمارا دشمن می دارند، آنان را لعنت می کنید و آنان شمارا لعنت می کنند، گفت شد ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا آنان را با شمشیر نرانیم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: نخیر، مادامی که در بین شما نماز را پا می دارند.

عبارت: **ما أقاموا فيكم الصلاة**، در این جا به معنی تطبیق احکام اسلام می باشد که این

مسئله را تسمیه ای چیزی با برجسته ترین جزء آن گویند.

هنگامی که دار، دار اسلام باشد و حاکم بخواهد آن را به دار کفر تبدیل کند، این عمل کفر بواح (آشکار) پنداشته شده و بر مسلمانان لازم است تا با زور اسلحه از انجام چنین عملی جلوگیری کنند. با این حال، این انقلاب به یک سازمان و یک امیر احتیاج دارد

تا طلب نصره نموده و این انقلاب را به پیروزی رساند. این انقلاب عبارت از برکنار سازی حاکم یا باز گردانیدن آن به چارچوب شریعت است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند:

«كلا والله لتأمرن بالمعروف ولتنهون عن المنکر ولتأخذن علی ید الظالم ولتأطرنه علی الحق

أطرا أو تقصرنه علی الحق قصرا.» (أبو داود والترمذی و ابن ماجه)

ترجمه: قسم به الله که چنین نیست! باید امر به معروف و نهی از منکر نموده و دست ظالم را بگیرید (مانع ظلم نمودنش شوید و وی را به حق باز گردانید).

زمانی که اتاترک خلافت را نابود ساخت و به تطبیق سیکولاریزم پرداخت، مسلمانان باید با اسلحه مانع وی می شدند.

هنگامی که دار، دار کفر حقیقی، یا تبدیل شده به دار کفر باشد، نیاز به تلاش فراوان از کار فکری و دعوت دارد، تا آن را برای تبدیل نمودن به دار اسلام آماده سازد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت خویش را در مکه زمانی شروع کرد که کفر بواح را در آن جا می دید، ولی هیچ گاهی در مقابل آنان شمشیر نکشید. درحالی که دار اسلام وجود نداشت، بازهم رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را در دار الکفر (مکه و حبشه) مسکن گزین نمود و مسلمانان کفر بواح (آشکار) را با چشم سر مشاهده می نمودند، ولی در مقابل حاکم شان دست به اسلحه نبردند. بناءً در چنین حالتی نیاز است تا کار فکری و سپس طلب نصره صورت گیرد که بدین وسیله سلطه به دست مسلمانان آید.

قضیه مسلمانان امروز، اقامه خلافتی است که اسلام را

به گونه‌ای کامل تطبیق و به جهان حمل نماید

الله متعال می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾
[آل عمران: ۱۱۰]

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید.

هم چنان می‌فرماید:

﴿بُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾
[توبه: ۳۲-۳۳]

ترجمه: آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸]

ترجمه: بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی الله دعوت می‌کنیم! منزّه است الله! و من از مشرکان نیستم!»

و می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: ۵۵]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید. دین را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. چنان‌چه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس‌از آن کافر شوند، فاسقانند.

از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم پرسیده شد:

«أَيُّ الْمَدِينَتَيْنِ تَفْتَحُ أَوْلَا، أِقْسَطُنِيَّةَ أَمْ رُومِيَّةَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَدِينَةُ هِرْقَلٍ تَفْتَحُ أَوْلَا.» یعنی قسطنطنیه. (أحمد والدارمي والحاكم وابن أبي شيبة)
ترجمه: نخست کدام یک از این دو شهر فتح خواهد شد: قسطنطنیه یا روم؟ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در پاسخ فرمودند: نخست شهر هرقل فتح خواهد شد. یعنی شهر قسطنطنیه.

وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ فَرَأَيْتَ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَسَيِّلِغَ لِكُلِّ أُمَّتٍ مَّا زَوَى لِي مِنْهَا.»

(مسلم وأحمد. أبوداود وابن ماجه والترمذي)

ترجمه: الله متعال زمین را برای من جمع نمود و من سرزمین‌های مشرق و مغرب را دیدم و پادشاهی امت من با همان جایی می‌رسد که برایم جمع شد.

و فرموده‌اند:

«بشّر هذه الأمة بالسنا والرفعة والدين والنصر والتمكين في الأرض. فمن عمل منهم عمل

الآخرة للدين لم يكن له في الآخرة نصيب.» (أحمد والحاكم والبيهقي وابن حبان)

ترجمه: این امت را به گشایش، بزرگی، دین، پیروزی و قدرت در زمین مژده ده. پس اگر کسی از این امت، کارِ آخرت را به خاطر دنیا انجام دهد، بهره‌ای در آخرت نصیبش نخواهد شد.

پروردگارا! ما از تو دولتی را خواهانیم که بر مبنای منهج نبوت استوار باشد که توسط آن اسلام و پیروانش عزت یافته و کفر و پیروانش ذلیل گردند. بار الها! ما را از جمله‌ای کسانی قرار ده که فرمان‌بردار تو بوده و به راه تو دعوت می‌کنند.

وصل اللهم وسلّم وبارک علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى یوم الدین.

این رساله هدیه‌ای از طرف مجله وعی می‌باشد.

شماره ۹۵

شوال ۱۴۱۵ ه.ق

نومبر ۱۹۹۵ م

امت كتاب

www.ammstiproduciton.com